

بخشی از يك مسمط

نوروز رسید و فصل کار است
ای دوست پیچ پاه دامن
بستان چوبهشت پرنگار است
از خیری وارغوان و سوسن
یک سو گل و لاله آشکار است
یک سوی دگر بنفشه خرم
این یک به شکنج زلف یار است
و آن یک به مثابه دل من

خونین و جریح و داغ دار است

بنمود خزان بسی شرارت
زین پیش به کشور گلستان
هر حله که یافت کرد غارت
از مردم بی گناه بستان
بنمود نظر به صد حقارت
در باغ و چمن به زیردستان
نوروز کنون دهد بشارت
مارا که مظالم زمستان

طی گشت و طلیعه بهار است

ای گلبن زرد نیم مرده
وی باغچه خزان رسیده
ای بلبل داغ دل شمرده
وی لاله زار داغ دیده
ای سبزه چهره زرد کرده
صد سرزنش از خزان کشیده
وی کام دل از چمن نبرده
وی طعنه ز باغبان شنیده

بر خیز که عصر اقتدار است

دو غزل

یار ب آن شه که بود کشور دل تختگهش
شود آیا که فتد سوی گدایان نگهش؟
ترسم این دل که به جمعیت حسنش شده جمع
خود پریشان شود از فتنه زلف سپهش
دلی آسوده مرا بود گرفته ره خویش
تو فریبنده رسیدی و ببردی ز رهش
باسپاهی که تو آراسته ای از خط و خال
شاه راهیچ نماند نظری با سپهش
خون من ریزی و آن گه گذری سر خوش و مست
کس نپرسد ز تو کاین خسته چه باشد گنهش
چور چشم تو که بر شاه و گدا یکسان است
داوری را چه توان برد بر پادشاهش؟
عجبی نیست اگر بازوی شیران شکند
آن غزالی که بود لاله و گل خوابگهش
چشم دل داشتن از چشم تو برداشت بهار
کآن سیه دل نتوان داشت به نیکی نگهش

درد او حسرتا که ز من یار دور شد
بازم سرشک دیده به دامن ضرور شد
گویی همی مرا که به هجران صبور باش
عاشق شنیده ای که به هجران صبور شد؟
حور و بهشت و می چه کنم کآن بهشت روی
خاک رهش چو غالیه در زلف حور شد؟
تا گشت زلفکان تو پیچیده تر ز مار
بر من زمانه تنگ تر از چشم مور شد
جان بی رخ تو گشت مرا تیره کز ازل
جان من ورخ تو ز نار و ز نور شد
چون غنچه رخ مپوش در این نوبهار حسن
کاو عاقبت ز بستگی چهره عور شد
چندی غرور حسن به بلبل فروخت گل
دیدنی چگونگی بر سر ناز و غرور شد
چشمی امیدوار به روی تو داشتیم
اونیز عاقبت به فراق تو کور شد

نسخه جدید دیوان ملک الشعراء چه ویژگی هایی دارد؟ گزارش نویسنده



سید امیر منصور

دیوان ملک الشعراء بهار یکی از دیوان های پر مخاطب شاعران قرن حاضر بوده که اول محمد ملک زاده، برادر کوچک تر مرحوم بهار، آن را در عداد انتشارات «امیر کبیر» منتشر کرده است. این دیوان قریب به ۱۱ هزار بیت دارد. در این دیوان، یا بنابر مصالحتی خاص یا به سبب دسترس نداشتن به برخی از اشعار بهار، مقدار زیادی از اشعار او نیامده است؛ به همین سبب، پسر آن مرحوم، مهرداد بهار، دیگر بار به گردآوری اشعار پدر پرداخت و تعداد قابل توجهی شعر منتشر نشده از ملک الشعراء را در چاپی که سال ۱۳۶۸ انتشارات «توس» آن را به طبع رساند عرضه کرد. پس از مرحوم مهرداد بهار، یکی از دختران ملک الشعراء، چهار زاد، نیز تعداد دیگری از اشعار پدر را بر دیوان افزود و ویراست جدید را در سال ۱۳۸۰ در سلسله انتشارات «توس» منتشر کرد.

در آن سال ها، پیش از آنکه دیوان بهار به صورت چاپی به دست مشتاقان شعر او و محققان برسد، دوست هم مسلک و هم مرام او، مرحوم محمود فرخ خراسانی، مشغول فراهم آوردن دیوانی از دوستش بود که از سال ۱۲۹۵ (۱۳۳۵ ه. ق.) آن را دست گرفته بود. فرخ، هر زمانی که دست می داد، سواد یا بیاضی از اشعار بهار را از او می گرفت و بر این دیوان می افزود. او پس از سه سال کار تدوین دیوان را به پایان رساند و سپس ظاهراً آن را به محمد ملک زاده داد تا برای خود رونویسی تهیه کند. همین رونویس بعدها اساس چاپ انتشارات «امیر کبیر» قرار گرفت. اما فرخ همچنان مشغول فراهم آوردن اشعار بود که از قلم انداخته بود و تا سال ۱۳۳۰، سال وفات بهار، اشعار او را می گرفت و در دست نویس خود درج می کرد. فرخ، ظاهراً در سال ۱۳۴۲، دست نویس خود را به چاپخانه سپرد تا آن را حروف چینی و منتشر کنند، اما گویا نسخه به مذاق سانسور چیان زمان خوش نیامد و به همین دلیل توقیف شد. پس از این ماجرا، فرخ همچنان به کار خود ادامه داد و اگر شعری از بهار به دست می آورد در دیوان ثبت می کرد. او این کار را تا سال ۱۳۵۹، یعنی ۱۰ سال پیش از وفاتش، ادامه داد.

پس از وفات فرخ، کتاب ها و نسخه های خطی او را به دانشکده ادبیات دانشگاه «فردوسی» مشهد اهدا کردند و در نتیجه دیوانی که او از اشعار بهار گرد آورده بود نیز به کتابخانه این دانشکده منتقل شد، اما به سبب آنکه جزء کتاب های دست نویس فرخ بود مورد توجه قرار نگرفت و در گوشه ای از کتابخانه، در کارتنی، زیر غبار فراموشی ماند، تا اینکه روزی در سال ۱۳۹۵ مجتبی مجرد که رئیس کتابخانه، برای تشخیص چند کتابی که تازه آن ها را از کارتن ها در آورده بودند، او را فراخوانده بود سرگرم تفحص در کتابخانه بود که این دست نویس را دید و شگفت زده شد. از آنجایی که موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد او یادداشت های مرحوم فرخ بر حاشیه کتاب هایش بود، می دانست که او چنین اثری را گرد آورده است و چهار سال در پی آن بود. مجرد سریعاً آن نسخه را به نگارنده سپرد تا از آن تصویر برداری کنم. پس از آن بود که کار تایپ و تصحیح متن

دست نویس را نصب العین ساختیم. دیوانی که فرخ گرد آورده حاوی ۱۳ هزار بیت است که ۳۴۰۰ بیت تازه یاب دارد و البته ۲۰۰۰ بیت نیز از دیوانی که نشر «توس» منتشر کرده کمتر دارد. مرحوم فرخ در فهرستی که برای دست نویس خود تهیه کرده به این مطلب اشاره کرده و در جدول هایی به مطلع اشعاری که آن ها را در دیوان نیاورده پرداخته و حتی تعداد ابیات آن اشعار را هم درج کرده است. بر بنده پیدا نیست که چرا او ابیات منتشر شده در دیوان را در دست نویس خود نیاورده است. زمانی گمان بردم که او مقید بوده حتماً از دست نویس های بهار استفاده کند، اما این فرض منتفی شد، زیرا دانستم که فرخ بسیاری از اشعار بهار را از روزنامه ها و جراید در دیوان خود داخل ساخته است.

این دیوان که نشر «هرمس» آن را منتشر کرده عیناً همان دست نویسی است که فرخ گرد آورده، و ما هیچ دخل و تصرفی در آن نکرده ایم، جز آنکه فرخ برخی از اشعار بهار را دو یا سه بار و در مواضع مختلف نوشته بود که ما صورت کامل را اختیار و از تکرار پرهیز کردیم. علاوه بر این، برخی از لغات را که در دست نویس فرخ قابل خواندن نبود از سایر منابع افزودیم و کشف الیاتی نیز تهیه کردیم. همچنین ما، برای نشان دادن تفاوت های این دست نویس با سایر آثار منتشر شده، به مقابله آن با دیوان های چاپ «توس» و «امیر کبیر» پرداختیم و هر بیت و یا مصرعی را که در دیوان های چاپ شده نبود با علامت ستاره (*) مشخص کردیم تا خواننده به خوبی به تفاوت های این دیوان با دیوان های پیشین و قوف یابد.

این دیوان در واقع مشتمل بر روایت اول اشعار مرحوم بهار است، روایتی که در آن بسیاری از اشعار مربوط به سال های نخست شاعری او است که به صورت تاریخی در دیوان تنظیم شده است؛ به همین سبب است که در این چاپ تفکیک قالب های شعری انجام نشده تا نموداری از سیر تطور شاعری بهار در معرض دید قرار گیرد. نکته ای که احتمالاً نظر خوانندگان را به خود جلب خواهد کرد تعداد بسیار زیاد غزلیات این دیوان در مقایسه با آثار مشابه پیش از آن است. این امر به سبب احتمال این دیوان بر اشعار دوران جوانی بهار است. غزلیات لطیف و استوار این دیوان پژوهنده شعر معاصر فارسی را به این نکته می رساند که بهار علاوه بر اینکه قصیده گویی چیره دست بوده غزل سرایی لطیف طبع نیز بوده است، و این نکته ای است که شایسته است در مقاله ای مجزا در باب آن تحقیق شود.

از مقایسه روایت نخستین دیوان بهار با روایت بعدی آن که همان چاپ های نشر های «امیر کبیر» و «توس» است به این نکته می رسیم که بهار همواره در حال بازبینی اشعار خود بوده و در روایت ثانویه گاه حتی ممدوح شعر را هم تغییر می داده است. علاوه بر تغییراتی که خود او در شعرهایش ایجاد می کرده به اشعاری نیز بر می خوریم که دیگران در آن ها دست برده اند، چنان که در «تاریخ ادبیات مشروطه»، اثر داوراد براون، از شعری به مطلع «سوی لندن گذر ای بیک نسیم سحری / سخنی از من برگو به سر دوارد گری» بیت مقطع، یعنی «نام نیکو به از این چیست که گویند جهان / هند و ایران شده ویران ز سر دوارد گری؟»، حذف شده، زیرا ظاهراً به مذاق ادیب انگلیسی خوش نیامده بوده است.

به هر روی، این چاپ دیوان ملک الشعراء بهار بسیاری از تحقیقات و پژوهش هایی را که درباره بهار و شیوه شاعری و مواضع سیاسی او انجام شده به چالش می کشد و ما را بر آن می دارد که پژوهش های جدیدی درباره او انجام دهیم؛ به علاوه، زوایای پنهانی از اندیشه او را نیز بر ما مکتشف خواهد کرد.

«دیوان ملک الشعراء بهار»، گرد آورده فرخ خراسانی، به تصحیح مجتبی مجرد و سید امیر منصور، انتشار «هرمس» در ۹۳۰ صفحه و به قیمت ۱۲۰ هزار تومان به بازار عرضه کرده است.



معماران / داستان جلد / شماره پنجاه و دوم، بیست و نهم فروردین ماه ۱۳۹۸